

بازنمایی رسانه‌ای فرزندکشی توسط پدر و مطالبه‌گری در زمینه ضرورت بازنگری حکم قانونی

لیلا رهنما، کارشناسی ارشد، جزا و جرم‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد
اسلامی، قم، ایران.

چکیده

مجازات قتل عمدی فرزند توسط پدر مطابق با قانون مجازات اسلامی ایران، اخذ دیه و تعزیر است. در فقه اسلامی، حکم ممنوعیت قصاص پدر موافقان و مخالفانی دارد، قانونگذار در این مورد با تمایل به سمت موافقان، حکم عدم قصاص پدر را چهره‌ای قانونی و رسمی بخشیده و یکی از شرایط قصاص نفس را انتقای رابطه ابوت بین قاتل و مقتول عنوان کرده است. حکم قانونی فوق که همواره مورد اعتراض و انتقاد حقوقدانان کیفری قرار گرفته، تاکنون موفق به تغییر اراده و نظر قانونگذار در این مورد نشده است. با توجه به گسترش رسانه‌های جمعی، افکار عمومی به شدت تحت‌تأثیر بازنمایی رسانه‌ای در مورد فرزندکشی بدست پدر قرار دارد و غالباً توسط رسانه‌ها از وقوع چنین جنایاتی مطلع می‌شود. بازنمایی رسانه‌ای از جنایات می‌تواند باعث تکرار آن در جامعه شود و افکار عمومی را دچار ترس و وحشت کند؛ بنابراین می‌توان گفت بازنمایی رسانه‌ای از جنایت این قدرت را دارد که به افکار عمومی در زمینه تغییر حکم قانونی معافیت پدر از مجازات در جنایت فرزندکشی جهت داده و آن را به سمت درخواست تغییر آن از سوی قانونگذار هدایت کند. آگاهی افراد از عدم قصاص پدر توسط رسانه‌ها پیامدهایی به دنبال دارد که ضرورت بازنگری در این باب را ایجاد می‌کند. به نظر می‌رسد می‌توان از باب بازانديشي و با کمک گرفتن از متخصصان علوم فقهی نسبت به تعدیل و توجیه حکم قانونی ممنوعیت قصاص پدر در صورت قتل عمدی فرزند تجدیدنظر کرد و قانونگذار را به سمت تغییر آن ترغیب کرد. این پژوهش با استناد به منابع کتابخانه‌ای و پایگاه‌های خبری به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

واژگان کلیدی: بازنمایی رسانه‌ای، فرزندکشی، ممنوعیت قصاص پدر، افکار عمومی

مقدمه

فرزندکشی قطعاً یکی از خشونت‌بارترین جنایاتی است که جامعه به شدت تحت تأثیر خشونت حاصل از آن قرار می‌گیرد. از فرزندکشی به عنوان جنایتی یاد می‌شود که نسبت به سایر جرایم، احساس ترس و عدم امنیت بیشتری را در جامعه ایجاد می‌کند. اما آنچه که چنین جنایتی را در کانون توجه حقوق‌دانان و جرم-شناسان قرار داده، عدم رعایت مساوات در اجرای مجازات قتل عمدی در مورد پدری است که مرتکب قتل عمدی فرزند خود شده است.

طبق قانون مجازات اسلامی، مجازات قتل عمدی قصاص است^۱ و در شرایطی که پدری فرزند خود را عمداً به قتل برساند قصاص از او ساقط شده و به پرداخت دیه و تعزیر محکوم خواهد شد.^۲ مبنای چنین تخصیصی را باید در منابع فقهی جستجو کرد. مطابق آیات و روایات فقهی، یکی از شرایط سلبی قصاص نفس، انتفای رابطه اُبوت است و همین امر موجب شده که قانونگذار بر همین اساس پدر را در صورت قتل عمدی فرزند - اعم از دختر یا پسر - از قصاص معاف و به پرداخت دیه و تعزیر محکوم کند. حکم قانونی عدم قصاص پدر به لحاظ مغایرت با موازین حقوقی، از سوی اندیشمندان علوم جنایی مورد انتقادهای فراوان قرار گرفته است. البته تاکنون این انتقادهای در حدی قوی و مؤثر نبوده که بتواند قانونگذار را به بازنگری در حکم قانونی معافیت پدر از قصاص در صورت قتل عمدی فرزند متمایل کند.

فرزندکشی «قتل عمدی فرزند توسط پدر است که با سلب ارادی و آگاهانه حیات فرزند به وسیله پدر، با وجود شرایط مقرر در مورد قتل عمد^۳ به وقوع می‌پیوندد»^۴. این شکل از قتل عمدی در جامعه ایرانی - اسلامی پیشینه‌ای نسبتاً طولانی دارد و از دیرباز به دلیل وجود فرهنگ مردسالارانه شدید، پدرانی با عناوین و اتهامات مختلف دست به قتل فرزندان خود زده‌اند. از جمله مهم‌ترین عللی که موجب ارتکاب جنایت فرزندکشی می‌شود مسائل ناموسی است. «به گزارش یکی از مقامات انتظامی، سهم قتل‌های خانوادگی در جرایم جنایی ۳۰٪ و سهم قتل فرزندان توسط والدین ۱۰٪ است. در این بین، بیشترین قتل‌های خانوادگی توسط پدر واقع شده است»^۵. همچنین بیشترین تعداد فرزندکشی‌ها توسط پدر، متعلق به قتل فرزندان دختر

۱. ماده ۳۸۱ ق.م.ا.

۲. ماده ۳۰۱ ق.م.ا.

۳. محمد اسحاقی، مجازات پدر و مادر در جرم کشتن فرزند (ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی) (تهران: سفیر صبح، ۱۳۸۰)، ۱۵۱.

۴. اسداله لطفی، بهرام سهرابی نژاد و فروزان سهرابی نژاد، «مبانی فقهی قصاص پدر توسط فرزند در صورت قتل مادر»، مجله فقه مقارن، ۹ (۱۳۹۶)، ۱۲۷.

۵. علی اکبر ایزدی فرد، محمد محسنی دهکلانی و امین یوسفی، «مجازات پدر در قتل فرزند»، مجله علمی پژوهشی فقه و حقوق اسلامی، ۷ (۱۳۹۰)، ۳.

به دست پدران خود است. جنایت فرزندکشی توسط پدر، ریشه در فرهنگی غلط در جامعه دارد که بر پایه‌های محکم پدر و مردسالاری بنا شده و حق قتل فرزند را در شرایطی خاص به او داده است. از طرفی نمی‌توان در جامعه مدرن امروزی از نقش مهم رسانه‌های جمعی در خبررسانی و برجسته‌سازی داستان‌های جنایی از جمله فرزندکشی به آسانی عبور کرد. گسترش مطالعات در زمینه ارائه داستان‌های جنایی توسط رسانه، نشان دهنده پیوند محکم آن با جنایت است؛ به عبارتی ویژگی‌های منحصر به فرد بازنمایی جرم در گزارش‌های خبری، تحت تاثیر ماهیت خشونت بار جرایم قرار گرفته و از همین طریق هم در اذهان مخاطبین خود رخنه و کنترل هدایت افکار عمومی را در موضوعات مختلف به دست گرفته و در جهات گوناگون هدایت میکند.

منطبق بر موازین جامعه‌شناسی جنایی می‌توان گفت جرم در جوامع پدیده‌ای است بهنجار که وجود مقدار مشخصی از آن برای جامعه مفید و ضروری است، جرم فرزندکشی نیز همانند جرایم دیگر، وجود مقدار مشخصی از آن در جامعه عادی و طبیعی است ولی مشکل در جایی پیش می‌آید که رسانه‌ها با بازنمایی از این جرم می‌توانند به تکرار آن توسط افراد دیگر کمک کرده و وقوع آن را تسهیل کنند. رسانه به عنوان یکی از ابزار قدرتمند ارزش‌گذاری، توانایی این را دارد که ارزش‌هایی را در بستر تحولات اجتماعی ایجاد کند. ارزش‌هایی که در این بستر زاده می‌شوند در همان بستر هم از بین خواهند رفت. چنین ارزش‌هایی ارزش خود را تا زمانی حفظ خواهند کرد که مورد حمایت وجدان جمعی جامعه قرار داشته باشند و پس از آنکه از حمایت وجدان جمعی خارج و دچار مرگ شوند، تحصیل مجدد آن بسیار سخت و غیرممکن می‌نماید. در مورد فرزندکشی باید گفت زمانی که پدر این حق و اجازه را داشت که به هر دلیلی فرزند خود را به قتل برساند و قصاص نشود در حال سپری شدن است و اکنون این مورد در حال خروج از حمایت وجدان جمعی قرار دارد. در واقع عدم قصاص پدر، امروزه دیگر نه ارزش بلکه یک ضد ارزش به شمار می‌رود.^۶

بازنمایی، ساخت رسانه‌ای واقعیت است که به انعکاس و بازتاب معنای واقعی پدیده‌ها در جهان خارج نمی‌پردازد، بلکه دست به تولید و ساخت معانی جدید برای آنها، بر اساس چارچوب‌های مفهومی خود می‌زند.^۷ در نمایش این تصویر، رسانه‌ها آینه‌وار به انعکاس واقعیت نمی‌پردازند، بلکه واقعیت را آن‌طور که می‌خواهند ساخته و یا بر ساخت آن در اجتماع تأثیر می‌گذارند.

در نتیجه می‌بینیم که جامعه و افکار عمومی نسبت به جرایم مختلفی که از رسانه‌ها بازنمایی می‌شوند واکنش‌های متفاوتی را از خود نشان می‌دهند، گاهی بزهکاران به‌سان «شیاطین انسان‌نما» تنزل پیدا

۶. دپارتمان تخصصی حقوق دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، جرم‌شناسی: جلد پنجم از بسته دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی (تهران: عدلیه، ۱۳۹۹)، ۱۰۱.

۷. نک: محمد مهدی زاده، رسانه‌ها و بازنمایی، (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معاونت مطبوعاتی و اطلاع رسانی، ۱۳۸۷).

۸. مایک مگوایر، رادمورگان، رابرت رینر، دانشنامه جرم‌شناسی آکسفورد، ترجمه و تحقیق حمیدرضا ملک محمدی (تهران: میزان، ۱۳۸۹)، ۲۶۸.

1. Mike Maguire, Rod Morgan, Robert Reiner, The Oxford Handbook of Criminology, trans. (Oxford: Oxford University Press, 2013), 268.

می‌کنند و گاه هم سطح یک قدیس قرار می‌گیرند. گاهی افکار عمومی به شدت خواهان مجازات یک بزهکار است و گاهی نیز به همان شدت مخالف مجازات اوست. بازنمایی وقایع جنایی توسط رسانه‌ها، صرف نظر از اینکه عملی اخلاقی یا غیر اخلاقی است، موجب سوگیری‌های ایدئولوژیک و شکل‌گیری افکار عمومی در مسیری خاص می‌شود. بازنمایی رسانه‌ای از جرم فرزندکشی می‌تواند بر سطح مطالبه‌گری افکار عمومی نسبت به بازاندیشی در حکم قانونی عدم قصاص پدر در قتل عمدی فرزند موثر باشد. در واقع افکار عمومی تحت تاثیر بازنمایی رسانه‌ای از چنین جنایاتی، بیشتر از قبل نسبت به ارتکاب آن در جامعه حساس شده و خواهان اجرای مجازاتی یکسان با دیگران در مورد مرتکب هستند

ممنوعیت پدر از قصاص در صورت قتل عمد فرزند، موافقان و مخالفان زیادی دارد. اغلب فقهای امامیه و اکثریت فقهای اهل سنت به استناد حدیث نبوی «پدر پسرش را رهبری نمی‌کند»^۹ و «تو و اموالت متعلق به پدرت است»^{۱۰} معتقد به عدم قصاص، در قتل فرزند هستند؛ در مقابل، عده‌ای از فقهای اهل سنت با استناد به عموم و اطلاق آیات مربوط به قصاص، ضمن اعتقاد به خبر واحد بودن حدیث مذکور و اعلام تردید نسبت به آن، معتقد به قصاص پدر می‌باشند^{۱۱}. با این‌همه، قانون، سیاست جنایی موافق با عدم قصاص را اتخاذ کرده و پدر را از قصاص نفس معاف کرده است.

این اراده قانونگذار باعث حساسیت افکار عمومی نسبت به چنین معافیتهایی از مجازات در مورد پدری که فرزند خود را عمداً به قتل رسانده شده است. «برای درک ماهیت واقعی حقوق یک جامعه باید از مطالعه سازمان ظاهری وضع قانون پا فراتر نهاد و چگونگی منافی که قانون نماینده و حافظ آنها است را مطالعه کرد و بازشناخت. این منافع ادعایی هستند که افراد و گروه‌ها نسبت به دستگاه قانون‌گذاری و سازمان اجرای قوانین یک جامعه دارند. دولت این منافع را درک کرده و مورد توجه قرار می‌دهد ولی خود به وجود آورنده آنها نیست. منافع مورد حمایت قانون از احتیاجات گوناگون افراد یا گروه‌ها ناشی می‌شود و به صورت خواست و تقاضا برای وضع قوانین معین یا اجرای قوانین به طریق خاص متجلی می‌گردد»^{۱۲}

به هر رو، حکم قانونی ممنوعیت قصاص پدر، پیامدهایی را در جامعه با خود به همراه دارد که ضرورت‌هایی را جهت توجیه و تعدیل آن از باب بازاندیشی ایجاد کرده است. در پژوهش پیش رو به بررسی تأثیر بازنمایی رسانه‌ای از جنایت فرزندکشی، بر افزایش سطح مطالبات جامعه نسبت به مجازات فرزندکشی توسط پدر پرداخته خواهد شد. لازم به ذکر است که در ارتکاب جنایت فرزندکشی عوامل متعددی دخیل هستند که یکی از آنها بازنمایی رسانه‌ای است. این پژوهش در راستای یافتن پاسخ به این سوال که بازنمایی رسانه‌ای از جنایت فرزندکشی چه اثری می‌تواند بر مطالبه‌گری افکار عمومی پیرامون بازنگری حکم قانونی

۹. لا یُقاذُ الوالدُ بولده

۱۰. أنت و مآلک لأبیک

۱۱. علی اکبر ایزدی فرد، محمد نبی پور، «معافیت مطلق یا نسبی پدر و جد پدری از کیفر قتل در فرزندکشی عمدی: بررسی موارد

جواز قتل پدر و جد پدری در فرزندکشی عمدی»، مجله مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، ۳ (۱۳۹۰)، ۳.

۱۲. پرویز صانعی، حقوق و اجتماع: رابطه حقوق با عوامل اجتماعی و روانی (تهران: طرح نو، ۱۳۸۹)، ۲۶۵.

داشته باشد و با هدف بررسی اثر بازنمایی از جنایت فرزند کشی توسط پدر و مطالبه گری افکار عمومی در زمینه تغییر حکم معافیت پدر از قصاص در قتل عمدی فرزند تهیه شده است. به نظر میرسد که بازنمایی رسانه ای از جنایت فرزندکشی میتواند افکار عمومی را در جهت مطالبه تغییر حکم قانونی عدم قصاص پدر در قتل عمدی فرزند هدایت کند. تحقیق فوق مشتمل بر سه فصل با عناوین افکار عمومی و بازنمایی رسانه ای از جنایت فرزندکشی، ضرورت بازاندیشی در حکم قتل فرزند توسط پدر از سوی قانونگذار و پیامدهای ناشی از ممنوعیت قصاص پدر در برابر قتل فرزند تهیه شده است.

۱. افکار عمومی و بازنمایی رسانه‌ای از جنایت فرزندکشی

«امروزه افکار عمومی را ضمیر باطنی و پنهان یک ملت و ظهور آن را بازتاب [اراده] اکثریت یک جامعه در برابر پیام‌ها و رویدادهایی که برای آنها جنبه حیاتی دارد می‌دانند»^{۱۳}. غالباً افکار عمومی زمانی شکل می‌گیرد که اولاً مسأله‌ای مطرح شود، ثانیاً آن مسأله برای عموم مردم واجد اهمیت تلقی گردد؛ به نحوی که پیرامون آن یک سری کنش‌ها از سوی مردم صورت گیرد، دیدگاه‌های مختلف طرح شده و در نهایت یک فکر عمومی راجع به یک فکر خاص شکل گیرد^{۱۴}.

معمولاً جامعه متأثر از اخبار مجرمانه، بسته به کیفیت بازنمایی آن، دچار ترس و اضطراب و احساس ناامنی می‌شود و احساسات خود را جریحه‌دار می‌یابد. این امر در مورد جنایت خشونت‌باری مثل فرزندکشی نمود بیشتری دارد؛ بدین صورت که افکار عمومی با انتخاب و ارائه داستان‌های جنایی و بازنمایی رسانه‌ای واقعه مجرمانه فرزندکشی، از وقوع چنین جنایاتی و همچنین ممنوعیت قانونی قصاص پدر در صورت قتل فرزند، آگاه شده و به دنبال تشویش و التهابی که این دست از خبررسانی‌ها با خود در جامعه به آرمان می‌آورد، نسبت به حمایت قانون در برابر جان خود دچار تردید و خواهان اجرای مجازات به طور یکسان برای همه و لغو استثنای قصاص پدر در صورت قتل عمدی فرزند می‌شود.^{۱۵}

در ماجرای قتل رومینا اشرفی، دختر ۱۴ ساله تالشی که به طرز بسیار خشونت‌باری توسط پدرش به وسیله داس در خواب سر بریده و کشته شد، غالب افراد جامعه از طریق رسانه‌های جمعی از وقوع چنین جنایتی با خبر شدند. تحت تاثیر بازنمایی رسانه‌ها از این خبر، افکار عمومی به سرعت شکل گرفت و نسبت به آن واکنش نشان داد.

رسانه‌ها با بازنمایی‌های خود که در مواقعی از واقعیت نیز فاصله می‌گرفت، به این واکنش‌ها شدت داده و آن را تقویت کردند. علاوه بر آن شیوه قتل رومینا به دست پدرش با داس، به دلایل اصطلاحاً ناموسی،

۱۳. عاطفه اکبری، قانونگذاری مبتنی بر وقایع مجرمانه (تهران: مجد، ۱۳۹۴)، ۲۲.

۱۴. فیروز محمودی جانکی، محسن مرادی حسن آبادی، «افکار عمومی و کیفرگرایی»، مجله مطالعات حقوقی، ۲ (۱۳۹۰)، ۷.

۱۵. آلن پرفیت، مرتضی محسنی، پاسخ‌هایی به خشونت: گزارش کمیته مأمور مطالعه در امرخشونت و بزهکاری، (تهران: گنج دانش، ۱۳۷۸)، ۴۰.

2. Alain Peyrefitte, Responses A LA Violence, Trans, (French: Premier Ministre, 2013) 40.

حساسیت‌های بیشتری را برانگیخت؛ از جمله فعالان حقوق زنان و کودکان در اعتراض به این عمل هولناک از سوی پدر واکنش‌های بعضاً تندی از خود نشان دادند و به عدم اجرای مجازات قصاص طبق قانون و صرفاً بر پایه موازین فقهی معترض شدند. بازتاب اعتراض‌ها و واکنش‌های فعالان حقوقی و اجتماعی توسط رسانه‌ها، افکار عمومی را از تجویز قانون نسبت به قتل عمدی فرزند توسط پدر مطلع کرد و عموم مردم از وجود این قانون و حمایت ضمنی آن از پدر اطلاع پیدا کردند.

در جریان اطلاع عموم از وجود چنین قانونی دو رویکرد مورد توجه قرار می‌گیرد: نخست آنکه افکار عمومی به دو نیم تقسیم شد و با توجه به ایتنای فقهی این حکم قانونی، عده‌ای موافق با آن و عده‌ای مخالف با آن شدند. رویکرد دوم در رابطه با پدرانی است که به وسیله بازنمایی رسانه‌ای از جنایت فرزندکشی، از عدم قصاص پدر در قتل عمدی فرزند مطلع شده و با اطمینان از اینکه قصاص نمیشوند دست به ارتکاب جرم زدند.

قتل ریحانه عامری به دست پدرش که با فاصله ای اندک از قتل رومینا اتفاق افتاد را میتوان مصداقی بر این ادعا دانست. هرچند که باید گفت این قاعده در مورد همه پدرانی که فرزند خود را کشته‌اند صدق نمی‌کند و موارد بسیاری از فرزندکشی‌ها به دست پدرانی انجام شده که نه تحت تاثیر رسانه بودند و نه از عدم قصاص پدر در صورت قتل عمدی فرزند اطلاع داشتند؛ مثل بابک خرم‌دین که توسط پدر و مادرش به قتل رسید و پدر بی توجه به اینکه چه مجازاتی در انتظارش است دست به این جنایت زده و نمیتوان گفت عمل او تحت تاثیر بازنمایی رسانه ای قرار داشته است^{۱۶}؛ همان طور که در خبرها آمد او قبل تر هم دست به قتل فرزند دیگر خود زده بود و اصلاً برایش اهمیتی نداشت که ممکن است عمل او با مجازاتی همراه باشد یا نباشد.

از سوی دیگر، اخبار خشونت‌آمیزی که از طریق رسانه‌های جمعی انتشار می‌یابد باعث می‌شود خودبازداری افراد از خشونت در خودشان ضعیف شده و احساس کنند خشونت و پرخاشگری امری پسندیده است؛ در واقع بازنمایی وقایع مجرمانه از رسانه‌های جمعی، یکی از عواملی است که می‌تواند استعداد و انجام رفتار خشونت‌آمیز را که در افراد به طور بالقوه وجود دارد فعال سازد و ضمن آنکه به آن صفت ارزش می‌دهد آنان را آماده اقدام به جرم خشونت‌آمیز کند^{۱۷}. در این شرایط فرقی نمی‌کند که فرد دست به قتل عمدی فرزند خود زند یا افراد دیگری اعم از خانواده یا غیرخانواده خود را به قتل برساند.

میتوان گفت در میان عوامل مختلف، بازنمایی رسانه‌ای میتواند در مورد برخی از افراد موثر واقع شود و آنها را به سمت ارتکاب جنایت سوق دهد؛ اما با وجود این، بازنمایی رسانه ای دارای جنبه های مثبتی نیز هست از جمله آنکه سبب شد اجرای فرزندکشی دیگری که چند ماه قبل از قتل رومینا در خوی اتفاق افتاده بود^{۱۸}،

۱۶. اعتماد آنلاین

۱۷. سارا نیکبخت، زمینه‌های گرایش به خشونت و راهکارهای مقابله با آن از منظر جرم‌شناسی (تهران: کتاب آوا، ۱۳۹۳)، ۱۳۱.

۱۸. ایسنا

توسط مادر مقتول از طریق رسانه به اطلاع عموم برسد و به مادر این قدرت را بدهد تا از حقوق دختر کشته شده خود در کنار رومینا و ریحانه دفاع کند و افکار عمومی را به حمایت طلبد.

در این راستا با بررسی خبرگزاری‌های مختلف، میتوان تاثیر بازنمایی جنایت فرزندکشی را بر سطح مطالبات مردمی را مورد ارزیابی قرار داد. هرچند که نظرات در این مورد ممکن است قطعی نباشد ولی از میان همه آنها میتوان به ارتباط بین بازنمایی رسانه‌ای جنایت فرزندکشی و افزایش سطح مطالبات افکار عمومی نسبت به اصلاح حکم قانونی معافیت پدر از قصاص در قتل عمدی فرزند پی برد. در صفحات و پایگاه‌های خبرگزاری که اخبار مربوط به فرزندکشی رومینا، ریحانه و بابک را گذاشته بودند، اکثر نظراتی که مردم در رابطه با این خبر از خودشان منتشر کردند نشان دهنده خواست آنها مبنی بر اصلاح قانون و قصاص پدر است و عده ای هم با این حکم کاملاً موافق و آن را بر پایه های فقهی و قانونی درست و به جا می دانند.

افراد توسط رسانه‌های جمعی از وقوع جنایت فرزندکشی باخبر می‌شوند و تحت تأثیر رسانه‌ها، به آن واکنش نشان می‌دهند. میزان تأثیر افراد از رسانه در این مورد به قدری است که منجر به واکنش‌ها و اعتراض‌های افکار عمومی نسبت به حکم قانونی عدم قصاص پدر شده و ضرورت‌هایی که برای بازنگری آن وجود دارد، بار دیگر در کانون توجه قرار می‌دهد. با توجه به ایتنای فقهی حکم قانونی فوق، به نظر می‌رسد نیاز به هم‌اندیشی متخصصان حوزه حقوق کیفری و آندیشمندان فقهی در جهت تعدیل و توجیه حکم قانونی مذکور باشد.

۲. ضرورت بازاندیشی در حکم قتل فرزند توسط پدر از سوی قانونگذار

با توجه به تأثیری که افکار عمومی از رسانه‌های جمعی می‌گیرد و متعاقب آن واکنشی که از خود در مورد جنایت فرزندکشی نشان می‌دهد، ضرورتی را جهت بازنگری در حکم ممنوعیت قصاص پدر ایجاد می‌کند که در کنار دیگر ضرورت‌های به وجود آمده، نیاز به بررسی و مطالعه بیشتر دارد.

به نظر می‌رسد حکم عدم قصاص پدر در ابتدای پیدایش خود بر اساس ضرورتی ایجاد شده بود که در حال حاضر وجود ندارد. در عوض ضرورت دیگری جهت بازنگری این حکم قانونی به لحاظ اقتضائات زمانی، مکانی و فرهنگی ایجاد شده است. «خیلی از محققین معتقدند که متن ماده ۲۲۰ که در ماده ۳۰۱ ق.م.ا جدید نیز با اندک تغییری بازنویسی شده، نصّ شریعت نیست. موافقان این ماده همواره در دفاعیه خود از مانعیت ابوت از قصاص، توسل‌های تعبدانه‌ای به آیات و روایات داشته‌اند»^{۱۹}، ولی منتقدان به ماده مذکور نیز اعتقاد دارند «اینکه پدر و جد پدری [منطبق با روایات و احادیث] فطرتاً سعادت و کمال فرزند خود را می‌خواهند و علاقه و محبت پدر به فرزند تا آخرین نفس ادامه دارد، تناسبی با قتل عمد فرزند توسط پدر

۱۹. فاطمه قادری چرمپینی، مهدی هادیان و حامد هادیان، تأملی در باب مجازات پدر و مادر در قتل فرزند از منظر فقهی-حقوقی (مقاله ارائه شده در کنفرانس سالانه پژوهش های حقوقی و جزایی، انجمن علمی هم اندیشان، مجموعه تلاش (تهران)، ۵/۳۱/۱۳۹۶).

ندارد؛ زیرا علاقه فطری با قتل جمع نمی‌شود»^{۲۰}، و پدر در هیچ حالتی مجاز به قتل فرزند خود نیست. از آنجا که مبنای این حکم قانونی روایی بوده و نه نص صریح قرآن، باید به دنبال راهی بود تا بتوان با توسل به مبانی فقهی به توجیه و تعدیل آن پرداخت.

در این راستا، نظر مرجع عالیقدر آیت الله کمال الحیدری می‌تواند راه‌گشا باشد. ایشان در این باره می‌فرمایند: «به حکم اولی و در درجه اول، هر کس انسانی را از روی عمد بکشد، حکمش قتل و قصاص است، و تفاوتی نمی‌کند که قاتل با مقتول رابطه پدر و فرزندی داشته باشد یا نداشته باشد. طبق مبنای ایشان در اصول فقه، تخصیص عمومات قرآنی توسط اخبار آحاد مجرد از قرائن قطعی، جایز نیست. ایشان همچنین خاطرنشان کرده‌اند که مشهور فقهای متأخر و معاصر، تخصیص کتاب به خبر واحد را جایز می‌دانند، اما فقهای متقدم شیعه از جمله سید مرتضی، شیخ طوسی و محقق حلی تخصیص را جایز نمی‌دانند. بر همین اساس، آیات عامی از قبیل^{۲۱} «و بر آنان مقرر کردیم که جان در مقابل جان [باید قصاص شود]»؛ و نیز آیه «و ای خردمندان، شما را در قصاص زندگانی است، باشد که تقوا پیشه کنید»^{۲۲}؛ بر عمومیت و فراگیری خود باقی مانده و روایات معارض، طرد می‌شوند.

طبق روش اجتهادی و فقه‌تبی آیت الله حیدری، پیش از صدور هر حکمی باید اطلاق افرادی و آزمانی آن بررسی و اثبات شود؛ یعنی باید دید آیا فلان حکم در همه موارد و درباره همه افراد و همه زمان‌ها و شرایط مختلف، یکسان است یا متفاوت می‌باشد؟ حکم و فتوا دادن به طور کلی و مطلق، بدون لحاظ شرایط و اقتضائات گوناگون، نشانه ضعف و نقص نگرش اجتهادی یک فقیه محسوب خواهد شد»^{۲۳}

آیت الله محقق داماد هم نظر خود را مبنی بر عدم قصاص پدر در صورت قتل عمدی فرزند این چنین بیان کرده‌اند که: «به نظر می‌رسد در مباحث مجازات‌ها، مادام که در اجتهاد شیعی بازاندیشی فقهی صورت نگیرد این گونه جنایات راه، آن هم به نام «غیرت دینی» به نحو مکرر مشاهده خواهیم کرد». ایشان با بیان اینکه نقطه اصلی کلام مالکیان این است که برای اجرای قصاص رکن اصلی، وجود عنصر عمد است که باید قاضی این عنصر را احراز کند، می‌گوید: با توجه به وجود عاطفه شدید پدر نسبت به فرزند، اصل قضایی در این مورد عدم وجود عمد است. افزون آنکه همواره فرزند مشمول تأدیب پدر است. پدر تلاش می‌کند که فرزندش را تأدیب کند و امکان عادی این مطلب وجود دارد که در حال غضب دستش به خطا برود و منجر به قتل وی شود و لذا مادام که احتمال عدم وجود قصد قتل، جدی است، قصاص جاری نمی‌گردد و قتل، شبه عمد و یا خطا تلقی می‌شود. اما در مواردی که نحوه انجام قتل بر وجود قصد و پیش‌بینی قبلی و سبق تصمیم دلالت دارد، قصاص جاری می‌گردد.

۲۰. محمد مصدق، شرح قانون مجازات اسلامی: قصاص (تهران: جنگل، جاودانه، ۱۳۹۹)، ۱۱۸.

۲۱. وَكُنْتُمْ عَلَيهِمْ فِيهَا أَنْ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ، مائده ۴۵.

۲۲. وَ لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ، بقره ۱۷۹.

۲۳. الحیدری، ۱۳۹۹.

آیت الله محقق داماد با اشاره به بند ب ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مورخ ۱۳۹۲، در مورد قتل عمد که مقرر داشته: «هرگاه مرتکب، عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، می‌گردد، هر چند قصد ارتکاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد ولی آگاه و متوجه بوده که آن کار نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود»؛ می‌گوید: به نظر می‌رسد از نظر فقهی این حکم قابل خدشه است، زیرا مقنن قصد ارتکاب جنایت را لازم ندانسته و چنین به نظر می‌رسد که در این نوع قتل احراز قصد کشتن برای عمدی بودن آن لازم نیست، در حالی که احراز قصد قتل همه جا لازم است.

به گفته این فقیه و اندیشمند حقوق اسلامی، ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ قابل تجدید نظر است و می‌توان با توجه به ماده ۱۵۸ و اذن تأدیب و وجود احتمال قوی خطا در عمل پدر، این مجوز را به قضات داد که در موارد اثبات وجود سبق تصمیم و قصد قتل، قاتل را به مجازات قصاص محکوم نمایند. در وضع فعلی ماده تنظیم شده در قانون، به هیچ وجه اجازه صدور حکم قصاص به قضات داده نشده است و لذا در کشورمان موارد دلخراشی از جنایات پدران نسبت به فرزندان خردسالشان دیده می‌شود که احساسات عمومی را جریحه‌دار کرده‌اند.^{۲۴}

در رابطه با قتل رومینا مشخص شد که قاتل قبل از وقوع جنایت اقدام به مشورت با یک وکیل دادگستری کرده و پس از اطمینان از اینکه مجازات قصاص در انتظارش نیست دست به قتل دختر خود به شیوه‌ای وحشیانه زده است.^{۲۵} اما نمیتوان گفت که تمام فرزندکشی‌ها با پیش آگاهی پدر قبل از اقدام به قتل صورت گرفته است و همان طور که اشاره شد در بسیاری از فرزندکشی‌ها پدر بدون توجه و اهمیت به معافیتش از قصاص اقدام به قتل فرزند خود کرده است.

با این حال در جامعه امروزی که حقوق تمام اعضای خانواده از جمله فرزند به رسمیت شناخته می‌شود، دیگر پدر شبه خدایگانی که در زمان وضع اولیه این حکم بوده نیست و اختیاری نسبت به مرگ و زندگی فرزندان خود ندارد؛ به بیانی دیگر التزام به معافیت پدر از قصاص می‌تواند از دید افکار عمومی مصداق بی‌عدالتی و حتی وهن مذهبی - شیعی شود. این درحالی است که می‌دانیم حکم اولیه قتل عمد قصاص است و ضرورتی برای تخصیص آن در حال حاضر وجود ندارد.

جرمزا بودن این حکم قانونی نیز ضرورتی است که تعدیل آن را طلب می‌کند. هرچند که نمیتوان به قطعیت گفت تمام فرزندکشی‌ها ناشی از حکم قانونی فوق است، ولی میتوان گفت اگر چنین حکمی وجود نداشت و پدر هم در صورت قتل عمدی فرزند خود، مجازاتی یکسان با دیگران را متحمل می‌شد، شاید آمار جنایات فرزندکشی کمتر بود. اطمینان پدر از عدم مجازات قصاص در سایه امنیت که قانونگذار به او ارزانی داشته، باعث شده تا با سهولت بیشتری دست به ارتکاب جنایت زده شود و آمار ارتکاب قتل‌های فرزندان به دست پدران بالاتر رود.

۲۴. همشهری آنلاین

۲۵. شهرآرا نیوز

«در حکومت‌های دموکراسی عقیده عمومی یک جامعه که نماینده احساسات و خواست‌های افراد است در امر قانونگذاری تأثیر گذاشته و قوانین باید با توجه به تغییراتی که در انتظارات مردم و عقیده عمومی که زبان آن است پدید آید و تحول یابد، و با این انتظارات موافقت اصولی داشته باشد. مسلماً وضع غایی و مطلوب آن است که وسایل و شرایط ضروری برای بروز عقیده عمومی وجود داشته باشد، به علاوه باید طرز تربیت سازمان روانی و فکری افراد جامعه طوری باشد که عقاید مستقل داشته باشند و گرنه خود وسایل و ظواهر حکومت دموکراسی از قبیل انتخابات، مطبوعات و آزادی بحث و مشورت، به خودی خود دلیل بر آن نیست که انتظارات مردم جامعه در امر قانونگذاری موثر واقع شود»^{۲۶}.

با توجه به اینکه حکم ماده ۳۰۱ اساساً روایی است، به نظر می‌رسد که بتوان با رجوع به متخصصان علوم فقهی از باب بازاندیشی در جهت تعدیل و توجیه آن کوشید؛ به طوری که در ضمن حفظ حرمت احادیث و روایات ائمه معصومین علیهم السلام، عدالت نیز به درستی اجرا شود.

۳. پیامدهای ناشی از ممنوعیت قصاص پدر در برابر قتل فرزند

معافیت پدر در صورت قتل فرزند از سوی قانونگذار، ضرورت‌هایی را به شرحی که گذشت جهت بازنگری در حکم قانونی ایجاب می‌کند و طبیعتاً پیامدهایی را نیز با خود در جامعه به دنبال دارد. با توجه به اطلاعاتی که افکار عمومی از وجود حکم قانونی عدم قصاص پدر در صورت قتل فرزند، به واسطه رسانه‌های جمعی پیدا کردند، اصرار به التزام به آن می‌تواند سبب‌ساز فرهنگی شود که در آن قتل فرزند به دست پدر نه تنها شرعاً و قانوناً که عرفاً نیز جایز باشد. فرهنگی که در آن بیشترین ضربه را زنان و دخترانی می‌خورند که از ترس کشته شدن مجبورند تن به اموری از سر اجبار دهند و می‌دانند که اگر به دست پدران خود کشته شوند هیچ فرد یا قانونی به خونخواهی آنان برنخواهد خواست. در چنین شرایطی رفته‌رفته افکار عمومی نیز می‌پذیرد که قتل فرزند از نظر عرفی نیز مشروع و قابل دفاع است و از حساسیت جامعه نسبت به آن کم شده و آن را عملی مباح خواهد پنداشت.

در ماجرای قتل رومینا اشرفی، با پدر جوانی مواجه هستیم که تحت تأثیر افکاری متعصبانه قرار دارد که توسط اطرافیان هر لحظه در حال تقویت شدن بوده است. بعد از قتل دختر به دست پدر به دلیل حفظ مفاهیمی انتزاعی مانند غیرت و آبرو، و در اثر بازتاب وسیع رسانه‌های جمعی از این جنایت، عده‌ای با عمل مجرمانه پدر اعلام موافقت کردند و سزای دختری که از خانه فرار کند را مرگ دانسته و کاملاً با حکم قانونی عدم قصاص پدر نیز موافق بودند. تحت تأثیر همین طرز فکر و انعکاس آن در سطحی وسیع از طریق رسانه، ریحانه نیز به دلایل ناموسی و حفظ آبرو به دست پدر خود به قتل رسید. در این قتل نیز عده‌ای که تعداد آنها قابل توجه بود از عمل مجرمانه پدر حمایت کردند و دختر را در قتل خودش به دلیل سرپیچی از خواست پدر مقصر دانستند.

۲۶. پرویز صانعی، حقوق و اجتماع: رابطه حقوق با عوامل اجتماعی و روانی (تهران: طرح نو، ۱۳۸۹)، ۳۳۶.

به نظر می‌رسد که نوعی تجویز عرفی برای چنین جنایتِ دهشتناکی از سوی پدران نسبت به فرزندان خود در اثر معافیّت آنان از قصاص در حال شکل گرفتن است که نظیر آن را در قتل بابک خرم‌دین نیز شاهد بودیم.

در این مورد نظام عدالت کیفری و به طور خاص، قانونگذار کیفری نیز به جای اینکه در خود حکم قانونی بازنگری کنند و ریشه این نوع از قتل‌های عمدی را تا حدی کاهش دهند تا جامعه از تبعات منفی آن بیشتر از این آزار نبیند، انگشت اتهام به سمت پدر یا فرزند گرفته میشود و به دلایل مختلفی آنها نزد افکار عمومی محق یا گناهکار جلوه داده میشوند؛ در حالی که ریشه اصلی این مشکل را باید در قانونی که چنین اجازه‌ای را به پدر داده است جستجو کرد.^{۲۷}

از سویی دیگر به دنبال بازنمایی وسیع رسانه‌های جمعی از جنایت فرزندکشی به وسیله برجسته‌سازی و بزرگ‌نمایی، خواه‌ناخواه افراد در ذهن خود از وقوع چنین جنایاتی دچار تشویش و نگرانی می‌شوند. ترس از قتل توسط پدر و وجود چنین آهرم فشاری در دستان او باعث ایجاد نگرانی‌های عمومی در سطح جامعه خواهد شد. لازم به ذکر است که از مدتها قبل، فرزندکشی در ایران و سایر نقاط جهان در حال رخ دادن بوده است؛ آنچه که امروزه باعث شده چنین جنایتی تا این حد موجب تحریک و واکنش افکار عمومی نسبت به آن شود، نقش قدرتمند رسانه‌های جمعی در بازنمایی و اطلاع‌رسانی درباره آن است؛ به دیگر سخن، هنگامی که فرزندکشی اتفاق می‌افتد، رسانه بنابر رسالت خود آن را بازتاب می‌دهد. انعکاس چنین اخباری در جامعه می‌تواند در پدروانی که مستعد ارتکاب جرم هستند، تولید انگیزه کند و آنها را به طرف ارتکاب قتل فرزندان خود با این دید که قصاص نمی‌شوند سوق دهد. این امر می‌تواند جامعه را به سمت خشونت‌گرایی و ترس از مورد خشونت قرار گرفتن پیش برد.

در جامعه‌ای که پدر پس از قتل فرزند خود با خیالی آسوده از عدم قصاص با مباحات به عمل جنایتکارانه خود اعتراف می‌کند، انتشار آن از طریق رسانه سبب می‌شود بذر ترس و تشویش در آذهای فرزندان خردسال و نوجوان کاشته شود و بازنمایی اخباری از این دست آن را تقویت نماید. کودکانی که با چنین ترسی رشد می‌کنند قابلیت اینکه در بزرگسالی دست به اعمال خشونت‌بار علیه فرزندان یا دیگر اطرافیان خود زنند را دارا هستند. واقعیت این است که نمی‌توان در دنیای امروزی نقش رسانه را در خبررسانی حذف کرد یا مانع اطلاع رسانی رسانه شد، ولی می‌توان نسبت به پیامدهای حاصل از حکم قانونی عدم قصاص پدر تجدید نظر کرد.

هنگامی که در جامعه قاعده‌ای حقوقی به شکل قانون عنوان شده و با عبارات مشخصی سالیان سال از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود، همراه با احترامی است که در پیرامون آن دیده می‌شود و مشکل بتوان آن را تغییر داد، ولی سرانجام زمانی فرا خواهد رسید که اجرای آن دیگر مناسب و خرسند کننده نیست و از این به بعد است که برای قاضی نسبت به آن، حالت بحران وجدانی پیش می‌آید. در واقع قاضی حسب وظیفه خود

۲۷. سمیه عزیری، محمود میرخلیلی، «ارتباط نظریه قوچ قربانی و عوام‌گرایی کیفری و تاثیر آن بر سیاست کیفری ایران»، مجله پژوهش‌های حقوقی، ۴۱ (۱۳۹۹)، ۲۲۶.

ملزم به اجرای عدالت است و نمی‌تواند از متن قانون پا فراتر نهد و از طرف دیگر قانون را تأمین کننده عدالت نمی‌بیند؛ در این جا است که وی دچار یک تناقض شده و خواهد کوشید چنین قانونی را به سمت یک راه حل منصفانه متوجه کند و از آن تفسیری جسورانه و حتی موسع برای وصول به عدالت داشته باشد.^{۲۸}

عدم اجرای قصاص در مورد پدر سبب می‌شود تا پدرانی که زمینه ارتکاب جرم را دارند از آن به عنوان اهرم فشاری بر فرزند خود استفاده کنند و در شرایط مختلف آنها را تهدید به مرگ کنند. در سال ۱۳۸۷ دختر ۱۱ ساله‌ای بعد از آنکه بارها توسط پدر خود که اعتیاد به استعمال مواد مخدر توهم‌زا داشت تهدید به قتل شد، به طرزی فاجعه‌بار و دل‌خراشی، در اثر ترس از این تهدید از دنیا رفت.^{۲۹} مادر کودک به علت اعتیاد همسرش از او جدا شده بود و دادگاه بی‌هیچ دلیل عقلانی و صرفاً به این علت که دختر بالای هفت سال سن داشت و بدون کوچک‌ترین توجهی به اعتیاد شدید پدر، حضانت طفل را به او سپرد. سرانجام نیز بر اثر توهم ناشی از مواد مخدر، دختر یازده ساله خود را به طریقی بی‌رحمانه به آتش کشید. گزارش پزشکی قانونی حاکی از آن بود که دخترک قبل از سوخته شدن، در اثر ترس از کشته شدن به دست پدرش، دچار ایست قلبی شده بود. پدر با وجود ارتکاب چنین جنایت وحشیانه‌ای به ۱۲ سال حبس و ۱۰ سال تبعید محکوم شد، صرفاً به این دلیل که مطابق با قانون، پدر در صورت قتل عمدی فرزند خود از مجازات قصاص معاف است. در صورتی که اگر در این ماجرا جای پدر و مادر را با یکدیگر عوض کنیم، مادر به قصاص محکوم شده و پدر همچنان توسط قانون حمایت خواهد شد.

نمایش جنایت فرزندکشی همچنین می‌تواند موجب عدم احساس تعلق به خانواده شود و روابط آنها را به شکلی جنایی و خشونت‌بار به چالش کشد. ارسال اخبار جنایی مربوط به فرزندکشی توسط پدر از سوی رسانه‌ها ممکن است باعث بدبینی فرزندان نسبت به پدران خود شود و آنها همواره با ترس کشته شدن به دست پدر زندگی کنند.^{۳۰} مثل پدر معتادی که کودک ۹ ساله خود را با ضرب و شتم‌های شدید کشت^{۳۱} یا پدری که در سال گذشته سه فرزند خردسال خود را به قتل رساند.^{۳۲}

اطلاع از عدم قصاص پدر در قتل عمدی فرزند می‌تواند همچنین باعث شود تا دیگر اعضای خانواده در پناه این حکم قانونی و با سوء استفاده از آن دست به اعمال جنایتکارانه زنند؛ بدین صورت که افراد دیگری از خانواده اقدام به قتل عمدی کنند، ولی به خاطر فرار از مجازات، پدر قتل را به عهده گرفته و در نهایت نیز پس از چند سال حبس آزاد شده و به زندگی عادی خود باز خواهد گشت. در سال ۱۳۹۷ در یک درگیری خانوادگی دختر جوانی به طور کاملاً تصادفی توسط برادر خود به قتل رسید، ولی پدر خانواده قتل را به گردن

۲۸. هانری لوی پرول، سید ابوالفضل قاضی (شریعت پناهی)، جامعه‌شناسی حقوق، (تهران: میزان، ۱۳۸۷)، ۴۸.

۲۹. تابناک

۳۰. علی رزمن، «بررسی نقش رسانه‌ها در ارتکاب جرایم»، مجله قانون یار، ۱ (۱۳۹۶)، ۱۲۴.

۳۱. ایمن

۳۲. رکنا

گرفت تا پسر جوانش طعم دادگاه و زندان را نچشد^{۳۳}. این امر می‌تواند به پایمال شدن حقوق افراد و نادیده گرفته شدن عدالت بیانجامد.

امروزه با توجه به پیشرفت فناوری اطلاعاتی، اخبار به سرعت در سطح بین‌المللی منتشر شده و علاوه بر افراد جامعه محل وقوع جرم، دیگر جوامع را نیز از وقوع آن مطلع می‌شوند. انعکاس جنایات فرزندکشی به دست پدر در سطح بین‌المللی همچنین واکنش‌هایی را با خود به همراه دارد که در سطح جهانی چهره‌ای خشونت‌طلب، متحجر و دین‌زده از جامعه ایرانی را به نمایش می‌گذارد.

فرزندکشی آمار بالایی را در تمام کشورهای دنیا دارد و این جنایت مختص به ایران نیست؛ ولی در اکثر کشورهای دیگر پدر بابت قتل عمدی فرزند خود به همان مجازاتی محکوم می‌شود که هر انسان دیگری در صورت قتل عمدی شخص دیگر به آن مجازات محکوم می‌شود. این موضوع نظام حقوقی ایران را متهم به عدم حمایت از کودکان و زنان می‌کند. چهره‌ای که در اثر بازنمایی فرزندکشی به جهانیان ارائه می‌شود خلاف واقع است و دارای اثرات بسیار منفی و مخربی بر چهره سیاسی دولت و نظام در عرصه داخلی و بین‌المللی است. پیامدهای حاصل از حکم قانونی معافیت پدر از قصاص در صورت قتل عمدی فرزند، می‌تواند مجالی باشد برای تعدیل و توجیه حکم مذکور از طریق نواندیشی و بازنگری آن تا با کمک متخصصان امر به قانونی برسیم که کمترین پیامدهای منفی را در جامعه از خود به جای گذارد.

نتیجه‌گیری

با بررسی و تحلیل بازنمایی رسانه‌ای جنایت فرزندکشی مشخص شد که افکار عمومی تحت تاثیر بازنمایی رسانه‌ای از جنایات قرار دارد و نسبت به فرزندکشی توسط پدر واکنش نشان میدهد. از طرفی رسانه‌ها با استفاده از ظرفیت‌های خود میتوانند افکار عمومی را جهت مطالبه بازنگری در قانون شکل داده و هدایت کنند تا بدین طریق قانونگذار نیز متمایل به بازاندیشی در حکم قانونی معافیت از قصاص در قتل عمدی فرزند توسط پدر شود. بازنمایی رسانه‌ای اعم از دیداری؛ نوشتاری و شنوایی تاثیر بسزایی در انتقال تصویر جرم به مخاطبین و تکرار جرم در جامعه دارد؛ همچنین میتوان گفت رسانه‌های جمعی در چگونگی شکل‌گیری افکار عمومی پیرامون جرم و بزهکاری نقش بسزایی دارند.

حساسیت افکار عمومی در مورد جنایت فرزندکشی به دلیل انعکاسی که رسانه‌ها از اخبار مربوط به آن می‌دهند ضرورتی را ایجاد کرده است که می‌توان با توجه و تکیه بر آن به بازنگری در حکم قانونی عدم قصاص پدر به طور جدی‌تری نگریست. مطالبه افکار عمومی برای لغو حکم قانونی ممنوعیت قصاص پدر در صورت قتل عمدی فرزند در کنار عوامل دیگری از جمله جرم‌زایی حکم قانونی، اباحه‌گری کیفری و هنجارگذاری قتل فرزند، فضایی را فراهم کرده که لزوم بازنگری در حکم قانونی عدم قصاص پدر را به ویژه

۳۳. برنا نیوز

از منظر فقه مقاصدی تقویت می‌کند. به نظر می‌رسد با بهره‌گیری از متخصصان علوم فقهی می‌توان به تعدیل و توجیه حکم قانونی منع قصاص پدر امیدوار بود. در همین راستا لازم به ذکر است که علمای فقه در این مورد به دو دسته مخالف و موافق با ممانعت قصاص پدر در قتل عمد فرزند تقسیم شده‌اند. عده‌ای از آنان چنین حکمی را مطابق با آیات و روایات صحیح دانسته و عده‌ای دیگر تفاوتی میان قتل عمد فرزند توسط پدر یا دیگری قائل نشدند و در هر حال قصاص را ثابت میدانند.

قابل انکار نیست که بازنمایی رسانه‌ای جنایت فرزندکشی، در جامعه پیامدهایی به دنبال دارد. تجویز عرفی قتل‌های ناموسی، تشویش و نگرانی‌های عمومی از افزایش نرخ جنایت‌های بعدی، احساس ترس از جرم و ارائهٔ چهره‌ای متحجر و دین‌زده از کشور در عرصهٔ بین‌المللی، توسط رسانه‌های جمعی، از پیامدهایی است که ممانعت از قصاص پدر با خود به همراه دارد. ترس از فرزندکشی در جامعهٔ ایرانی ریشه‌های عمیق و محکمی در فقه و سنت دارد. لازم است در جهت اصلاح فرهنگ پدرسالارانه‌ای که حق کشتن فرزند را به پدر می‌دهد نیز کوشا بود. بازنمایی صحیح رسانه‌ای از جنایت فرزندکشی توسط پدر یکی از عواملی است که میتواند افکار عمومی را در جهت تغییر حکم قانونی ممانعت از قصاص پدر در قتل عمدی فرزند و طلب آن از قانونگذار شکل داده و هدایت کند.

بازنمایی رسانه‌ای از جنایت فرزندکشی توسط پدر بر افکار عمومی تاثیر داشته و آن را به سمت مطالبهٔ تغییر حکم قانونی معافیت قصاص پدر در قتل عمدی فرزند پیش میبرد. شایسته است در تعاملی مشترک بین حقوق‌دانان و متخصصان علوم فقهی، قانونگذار را به سمت جرم‌انگاری فرزندکشی توسط پدر از باب عمومی بودن آن ترغیب کرد تا ضمن احترام به دستورات فقهی و روایی، تا حد بسیار چشمگیری از تکرار جنایات مشابه کاسته شود. پیشنهاد میشود در این زمینه با استفاده از نظر سنجی‌های عمومی نظر جامعه را نسبت به چنین معافیتی جویا شد و سپس از قانونگذار خواست تا با استفاده از نظر علمای فقهی نسبت به این حکم قانونی، امکان تغییر در آن را مورد بررسی قرار دهد و در صورت امکان نسبت به تغییر آن اقدام کند. همچنین با توجه به اینکه نمی‌توان مانع از بازنمایی رسانه‌ای از اخبار مجرمانه شد باید سطح سواد رسانه‌ای افراد را بالا برد و با آموزش‌های لازم به آنان یاد داد تا در هنگام مواجهه با چنین اخباری کمتر دستخوش احساسات زودگذر شده و از ارتکاب جرم دوری ورزند. همچنین رسانه‌ها نیز باید بازنمایی‌های خود از این دست از جنایات را تا حد امکان نزدیک به واقعیت کرده و از بزرگنمایی و برجسته‌سازی آن اجتناب کنند.

The effect of media representation of infanticide by the father on demands for the necessity of reviewing the legal sentence

Abstract

The punishment for the intentional murder of a child by the father in accordance with the Islamic Penal Code of Iran is receiving blood money and ta'zir (Discretionary Punishment). In Islamic jurisprudence, the sentence of prohibition of fathers' retribution, has adherents and opponents. The legislator trends to the adherents and has recognized the mentioned sentence. The legislator has announced that one of the conditions in related to Revenge (Avenge for Blood), is discarded of the paternity between the child and father. The mentioned rule has always been challenged and

criticized by criminal lawyers and so far they have not succeeded in changing the will and opinion of the legislator in this regard. Due to the proliferation of mass media, public opinion is strongly influenced by media representations of father-child killing, and such crimes are often reported by the media. People's awareness of the non-retribution of the father through the media has consequences that create the need to reconsider. It seems that it is possible to reconsider and modify the legal rule prohibiting in relation of the father in case of intentional killing the child and to persuade the legislator to change and modify it with the help of experts in jurisprudence. This research has been done by descriptive-analytical method based on library resources and news databases.

Keywords: Media Representation, Child Murder, Prohibition of Fathers' Revenge, Public Opinion

فهرست منابع

کتاب‌ها

۱. اسحاقی، محمد. مجازات پدر و مادر در جرم کشتن فرزند. چاپ اول. تهران: سفیر صبح، ۱۳۸۰
۲. اکبری، عاطفه. قانونگذاری مبتنی بر وقایع مجرمانه. چاپ اول. تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۴.
۳. پرفیت، آلن. پاسخ‌هایی به خشونت، چاپ دوم. ترجمه و تحقیق مرتضی محسنی. تهران: گنج دانش، ۱۳۷۸.
۴. دپارتمان تخصصی حقوق دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، جرم‌شناسی: جلد پنجم از بسته دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، ویرایش سوم، تهران: عدلیه، ۱۳۹۹.
۵. خمینی، روح‌الله. الرسائل العشره. چاپ اول. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، ۱۴۲۰ق.
۶. صانعی، پرویز. حقوق و اجتماع: رابطه حقوق با عوامل اجتماعی و روانی. تهران: طرح نو، ۱۳۸۹.

۷. لوی برول، هانری، جامعه شناسی حقوق، چاپ دهم، ترجمه و تحقیق: سید ابوالفضل قاضی (شریعت پناهی)، تهران: میزان، ۱۳۸۷.
۸. مصدق، محمد. شرح قانون مجازات اسلامی (قصاص). چاپ اول. تهران: جنگل، جاودانه، ۱۳۹۷.
۹. مگوایر، مایک، گان، رادمور، رینر، رابرت. دانشنامه جرم شناسی آکسفورد. چاپ اول. ترجمه و تحقیق حمید رضا ملک محمدی. تهران: میزان، ۱۳۸۹.
۱۰. مهدی زاده، محمد. رسانه ها و بازنمایی. چاپ اول. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۷.
۱۱. نیکبخت، سارا. زمینه های گرایش به خشونت و راهکارهای مقابله با آن از منظر جرم شناسی. چاپ اول. تهران: کتاب آوا، ۱۳۹۳.

مقالات

۱۲. ایزدی فرد، علی اکبر. نبی پور، محمد. «معافیت مطلق یا نسبی پدر و جد پدری از کیفر قتل در فرزندکشی عمدی: بررسی موارد جواز قتل پدر و جد پدری در فرزندکشی عمدی». مجله علمی پژوهشی فقه و حقوق اسلامی ۳ (۱۳۹۰): ۳۲-۱.
۱۳. ایزدی فر، علی اکبر. دهکلانی، محسن. یوسفی، امین. «مجازات پدر در قتل عمد فرزند». مجله علمی پژوهشی فقه و حقوق اسلامی ۱۱۳ (۱۳۹۰): ۱۲۸-۷.
۱۴. رزمان، علی. «بررسی نقش رسانه‌ها در ارتکاب جرایم». فصلنامه علمی حقوقی قانون یار ۱ (۱۳۹۶): ۱۳۸-۱۱۹.
۱۵. عزیز، سمیه. میرخلیلی، محسن. «ارتباط نظریه قوچ قربانی و عوام‌گرایی کیفری و تأثیر آن بر سیاست کیفری ایران». مجله پژوهش‌های حقوقی ۲۲۱ (۱۳۹۹): ۴۱-۲۴۲.
۱۶. محمودی جانکی، فیروز. مرادی حسن آبادی، محسن. «افکار عمومی و کیفرگرایی». مجله مطالعات حقوقی ۵ (۱۳۹۰): ۲۱۴-۱۷۵.
۱۷. قادری چرمهینی، فاطمه. هادیان، مهدی. هادیان، حامد. «تأملی در باب مجازات پدر و مادر در قتل فرزند از منظر فقهی - حقوقی». مقاله ارائه شده در کنفرانس سالانه پژوهش‌های حقوقی و جزایی، انجمن علمی هم‌اندیشان، مجموعه تلاش (تهران)، ۱۳۹۶/۵/۳۱.
۱۸. لطفی، اسدالله. سهرابی نژاد، بهرام. سهرابی نژاد، فروزان. «مبانی فقهی قصاص پدر توسط فرزند در صورت قتل مادر». دو فصلنامه علمی - پژوهشی فقه مقارن ۹ (۱۳۹۶): ۱۵۰-۱۲۵.

- «آنچه از پرونده قتل بابک خرم‌دین نمی‌دانید»، اعتماد آنلاین، ۱۴۰۱/۶/۲۵.
<https://www.etemadonline.com>
- «ماجرای تلخ قتل حدیث ۱۱ ساله توسط پدرش»، ایسنا، ۱۳۹۹/۴/۱۷.
<https://www.etemadonline.com>
- «قتل کودک ۹ ساله توسط پدر معتاد در بردسیر»، ایما، ۱۴۰۱/۱۲/۴.
<https://www.imna.ir/news>
- «دختر توسط برادرش کشته شد، پدر قتل را به گردن گرفت» برنا نیوز، ۱۳۹۷/۴/۲۶.
<https://www.borna.news>
- «اعتراف تکان دهنده پدری که دختر خود را سوزاند»، تابناک، ۱۳۸۷/۹/۱۵.
<https://www.tabnak.ir/fa/news>
- «واکنش حساب توئیتری رهبر انقلاب به قتل رومینا»، تابناک، ۱۳۹۹/۳/۹.
<https://www.tabnak.ir/fa/news>
- «روایتی اختصاصی از قتل رومینا اشرفی»، خبرآنلاین، ۱۳۹۹/۳/۷.
<https://www.khabaronline.ir/news>
- «پدر سنگدل سه کودک خردسالش را کشت»، رکنا، ۱۴۰۰/۵/۱۷.
<https://www.rokna.net>
- «افشاگری تازه در مورد پدر رومینا اشرفی» شهرآرا نیوز، ۱۳۹۹/۳/۱۱.
<https://shahraranews.ir>
- «پدری دخترش را بابت ساعت بازگشت به خانه کشت»، فرارو، ۱۳۹۹/۳/۲۸.
<https://fararu.com/fa/news>
- «واکنش روحانی به ماجرای قتل رومینا»، عصر ایران، ۱۳۹۹/۳/۷.
<https://www.asriran.com/fa/news>
- «استفتاء در مورد حکم قتل فرزند»، علامه الحیدری، ۱۳۹۹/۴/۶.
https://t.me/alhaydari_fa/4726
- «واکنش حجت الاسلام رئیسی به قتل هولناک رومینا»، مشرق نیوز، ۱۳۹۹/۳/۱۲.
<https://www.mashreghnews.ir/news>
- «دیدگاه متفاوت سه فقیه درباره مجازات پدر رومینا، از کفایت حبس ۱۰ ساله تا قصاص، نظر آیت الله محقق داماد»، ۱۴۰۱/۶/۲۲.
<https://www.hamshahrionline.ir>

